

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

اصل دستیابی به موفقیت چه مفهومی را در خود نهان دارد؟

اعلام شرایط بمنظور بازگشت نظامیان امریکایی از افغانستان
چگونگی دستیابی به توافق در مورد حل و فصل قضایا

در نظر داشت موازین و اصول کلی و عمومی
تفاهم در مورد عمده ترین مسایل
پروژه شتابنده صلح در کشور
طرح های پیشنهادی

در نیشته حاضر، درگام نخست به مذاکرات و گفتگوهای ایالات متحده و "طالب"ها پرداخته و پس از آن به اقدامات و پیامدها ی آن بگونه گسترده ای بحث خواهیم نمود. مطابق اطلاعات منابع خبری "طرف های مذاکره کننده، بروز دوشنبه پس از یک هفته ملاقات و گفتگو، با وجود آنکه بر بعضی از بندهای موافقتنامه تردید داشتند، به "پیشرفت های عمده ای" دست یافتند تا با استفاده از آن، به جنگ ۱۷ ساله در کشور نقطه پایان بگذارند."

رئیس هیأت نمایندگی ایالات متحده در مورد مصالحه در کشور ما، پس از مذاکرات شش روزه در قطر راضی بنظر می رسید. نامبرده اظهار داشت که نتایج مذاکرات شش روزه بمقایسه با مذاکرات و گفتگوهای قبلی، ثمربخش بوده و نتایج قابل لمس نیز در پی داشت. وی همچنان ادامه داده افزود که در جریان مذاکرات شش روزه قطر در مورد مهمترین مسایل مورد بحث به گفتگو و تبادل نظر پرداخته شد.

بحواله فرانس پرس، یکی از گروه های "طالب"های مستقر در پاکستان، این خوشبینی را با دیگران شریک ساخت که هر دو طرف مذاکره کننده، درباره مهمترین مسایل مورد بحث به توافقاتی نایل گردیده و در زمینه به پیشرفت های قابل توجهی دست یافتند.

همچنان وزیر امور خارجه قطر در مورد، پیشرفت های گزارش شده را مورد تأیید قرار داده افزود که موفقیت های حاصله در ختم مذاکرات بمنابیه مهمترین مرحله در تاریخ ایجاد صلح و طرح مصالحه در افغانستان محسوب می گردد، اما در مورد کدام صلح و در مورد چگونه مصالحه ای که از آن اصلن نام هم نبرد.

تازه ترین خبر در مورد اینست که بگفته وزیر امور خارجه ایالات متحده، آن کشور درصدد جستجوی راهای حل و فصل صلح آمیز قضیه بوده و هرگز اجازه نخواهد داد تا بار دیگر افغانستان به محل استقرار و جابجایی تروریست های بین المللی مبدل گردیده و منافع ایالات متحده مورد تهدید قرار داده شود. وی ادامه داده افزود که دولت کشورش همچنان مصمم به برگرداندن نظامی های امریکایی بخانه نیز می باشد.

با جمع بندی پیشآمدهای موجود، ایالات متحده در نظر دارد تا پس از مدت زمان ۱۸ ماه، عودت قوت های نظامی آن کشور را آغاز و طی ۲۴ ماه آنرا بانجام رساند. اما "طالب"ها تقاضا نمودند تا این خروج پس از سه ماه باید آغاز گردیده و بمدت زمان شش ماه به پایه اكمال رسد. هر کدام از طرف ها بر منطق منحصر بفرد شان پافشاری نمودند. امریکایی ها در نظر دارند تا مرحله خروج نظامی هایشان از افغانستان را با مرحله زمانی اوایل انتخابات ریاست جمهوری سال آینده در کشور هماهنگ

نمایند. دلایل ارائه شده توسط "طالب"ها اما با خصوصیت های کاملن معکوس و متناقض مطرح گردید. آنها تلاش نمودند تا انتخابات سال آینده ریاست جمهوری درکشور را سبوتاژ نمایند. کشور عزیزما افغانستان درآستانه یک دوران جدید قرار دارد. ایالات متحده، آمادگی اش را در امر فراخواندن نظامی های آن کشور از افغانستان اظهار داشته. اما آیا در مورد چگونگی تعیین مدت زمان و نحوه این خروج، پس از شش روز مذاکره و گفتگوی نماینده ویژه ایالات متحده و "طالب"ها به توافقات معینی نایل گردیدند؟

در روز نخست نشست مسکو، "طالب"ها، شرط های پیشنهادی شان را بشرح زیر مطرح نمودند:

- حذف نام "طالب"ها از فهرست سیاه؛
- خروج نظامیان خارجی از اراضی افغانستان؛
- آزادی "طالب"ها از زندان ها؛
- ایجاد و تأسیس یک دفتر سیاسی؛
- ایجاد و برقراری نظام اسلامی؛
- تعدیل قانون اساسی؛
- و تضمین برادامه گفتگوهای صلح.

نباید فراموش خاطر ما گردد که خروج قوت های نظامی ایالات متحده از افغانستان، از جمله اصلی ترین پیش شرط های مذاکرات را تشکیل می داد که بمنظور تداوم گفتگوها از جانب "طالب"ها مطرح بحث قرار گرفت. مطابق اعلامیه رسمی طرف های شرکت کننده در موارد ذیل توافق بعمل آمد:

نخست اینکه ایالات متحده و هم پیمانان آن کشور آماده اند تا اراضی افغانستان را ترک گفته و قوت های نظامی شان را از افغانستان فراخوانند. دوم هم اینکه "طالب"ها مانع فعالیت گروهها و دسته بندی های تروریستی شده و به آنها اجازه نمی دهند که اراضی مربوط به قلمرو افغانستان بمثابه تخته خیز علیه منافع ایالات متحده و هم پیمانانش مورد استفاده قرار گیرد.

متذکر باید گردید که هیأت نمایندگی رسمی حاکمیت سیاسی کشور در مذاکرات و گفتگوهای یاد شده شرکت نوزیدند. "طالب"ها از گفتگوی رو در رو و مستقیم با نماینده های دولت افغانستان ابا ورزیدند. پس از ملاقات و گفتگوهای دوحه، نماینده ایالات متحده در مذاکرات یاد شده، به کابل سفر نموده و از چگونگی مذاکرات، هیأت رهبری دولت افغانستان را در جریان گذاشت.

سپس، رئیس جمهور افغانستان، طی بیانیه ای از طریق امواج رادیو در مورد تلاش ها بمنظور ایجاد زمینه گفتگوهای مستقیم و رو در رو با "طالب"ها بامید خاتمه بخشیدن به جنگ ۱۷ ساله در کشور، معلومات ارائه نموده اما به گفتگوهای امریکایی ها و "طالب"ها در دوحه اشاره ای نکرد. در کابل به مسأله فوق بنحوه دیگری نگاه گردیده و چنین می پندارند که پشت درهای بسته و در عقب حاکمیت سیاسی افغانستان در مورد سرنوشت پس از جنگ در کشور ما تصمیم اتخاذ می گردد که اصل موضوع و کنه مسأله، جای بحث دارد.

جنگ چهل ساله در کشور، هستی مادی و معنوی مردمان افغانستان را به تباهی کشانید. اما یادآوری این واقعیت مسلم لازم می پنداشته می شود که هر جنگی سرانجام به پایان می رسد. جنگ صدساله میان انگلستان و فرانسه در ختم سده ۱۵ با تمام رسید. چه، طرف های متخاصم، بیشتر از آن، نیرو و توانی در امر تداوم و ادامه جنگ و درگیری در خود سراغ نمی دیدند. جنگ کنونی در کشور ما چهل سال است که همچنان ادامه داشته و از افغان ها قربانی می گیرد. مقدمات آن از ماه سرطان سال ۱۳۵۲ و بویژه از ماه ثور سال ۱۳۵۷ که نیروهای چپ در کشور بقدرت رسیدند، آغاز و پس از ۶ جدی سال ۱۳۵۸ تشدید گردید.

اکنون بگونه مختصری به نشست مسکو در مورد اوضاع کشور عزیز ما که طی روزهای ۱۶ و ۱۷ ماه دلو سال روان گشایش یافت و طرح های موجودی که توسط شرکت کنندگان آن مطرح گردید، تذکر بعمل خواهد آمد. در این "گفتگوی بین الافغانی"، افراد و اشخاصی از اپوزیسیون (سیاستمداران اپوزیسیون افغانستان)، بشمول حامد کرزی رئیس جمهور قبلی کشور، حکمت خلیل کرزی معین قبلی وزارت امور خارجه، محمد حنیف اتمر مشاور قبلی شورای امنیت ملی، عطا محمد نور، اسماعیل خان وحاجی محمد محقق و دیگران و همچنان هیأت ده نفری "طالب"ها شرکت ورزیدند.

اما اشرف غنی رئیس جمهور کشور، این رویداد را "گردهمایی تشنگان قدرت" توصیف نموده و از فرستادن نماینده های دولت افغانستان غرض شرکت در نشست یاد شده ابا ورزید. اگر رئیس جمهور کشور، رویداد مسکو را "گردهمایی تشنگان

قدرت" نامید اما عبدالله عبدالله ابراز امیدواری نمود که اگر کنفرانس متذکره در مسکو امکانات تدویر واقعی مذاکرات رودر رو را با کلیه طرف های متخاصم فراهم نماید، می توان آنرا گامی بجلو محسوب نمود.

بخاطر باید داشت که با استفاده از وضعیت پیش آمده، ما افغانها می توانیم در راه دستیابی به صلح و آشتی در سرزمین باستانی خویش موفقیت های شایانی را نصیب گردیم، بنابراین افغان ها باین واقعیت معترفند که شرایط و وضعیت پیش از هر زمان دیگر بمنظور گفتمان وسیع و گسترده بین الافغانی میسر و مهیا گردیده است.

عده ای از شرکت کنندهای نشست مسکو اظهار داشتند که در طول جریان مذاکرات، میان طرف های شرکت کننده، بحث های مدنی انجام گردید.

در نهایت امر، شرکت کنندهای نشست مسکو، در پشتیبانی مذاکرات "طالب" ها و ایالات متحده به توافق نایل گردیدند. موضوع فوق را حنیف امر، یکی از کاندید های پست ریاست جمهوری کشور بیان نمود. نامبرده به خبرنگاران اظهار داشت که آنها همچنان به توافق رسیده اند که مذاکرات میان "طالب" ها و امریکایی ها را مورد تأیید و پشتیبانی قرار دهند. اما نباید فراموش نمود که اگر توافقاتی آنهم پشت درهای بسته و برهبری ایالات متحده صورت گرفته و کشورهای منطقه به حاشیه رانده می شوند همه و همه، نتیجه ادامه تلاش های خلیل زاد محسوب گردیده که دیدار قطر نشانه برجسته آن بشمار می رود.

بسیاری ها این پرسش را مطرح نموده و بویژه با خبرنگاران در میان می گذارند که چه مسایل و کدام مواردی درباره مذاکرات صلح افغانستان در مسکو منحصربفرد بوده و چرا ایالات متحده آنها را نمی پذیرد؟ چنین پنداشته می شود که گردهمایی مسکو و مذاکرات با "طالب" ها در مورد مسایل مربوط به افغانستان، کاملن منحصربفرد بوده و اما این، برای ایالات متحده، بگونه کلی نامطلوب محسوب می گردد. چنین زمره های نیز بگوش می رسد که مذاکرات مسکو در مورد افغانستان، بدلائیل مختلفی در نوع خود بمتابه موفقیتی محسوب گردیده و بنابراین باید ادامه یابد.

برخوردها و درگیری ها در داخل کشور ما هیچگاهی ناشی از نحوه و چگونگی انجام امور داخلی نبوده است، از آغاز سده ۱۹ بدینسو، وضعیت متذکره، بویژه در تاریخ عصر حاضر، توسط بازیگران خارجی رقیب بمتابه وسیله ای بمنظور دستیابی به منافع منحصربفرد شان بکار گرفته شده و از آن استفاده ابزاری بعمل آمده است.

اینک مختصرن به نتایج و دستاوردهای نشست های مشورتی مسکو در مورد کشور ما، اشاره می گردد: نشست مشورتی ماه نوامبر سال ۲۰۱۸ مسکو، در واقعیت امر، تداوم دو ارزیابی متضاد محسوب می گردد. گردهمایی یاد شده در مورد رویدادهای کشور و بگونه منحصربفردی بر سهمگیری و مشارکت مستقیم هیأت نمایندگی "طالب" ها، هیأت نمایندگی کابل و هیأت های نمایندگی بین المللی تأکید بعمل آورد.

اما ناظران غربی، قبل از همه نتیجه گیری نمودند که ملاقات و گفتگوهای هیأت نمایندگی "طالب" ها با اعضای شورای عالی صلح افغانستان، نتایج مشخص و قابل توجهی در پی نداشت.

اما حقیقت امر، بگونه معمول، جایی و در وسط کارها اتفاق می افتد. همچنان، مطبوعات غربی به مذاکرات مسکو، با نگاه مملو از شک و تردید نگریستند. در اینجا سوالی مطرح می گردد که آیا حضور نمایندهای "طالب" ها، بگونه قطعی و بی سابقه ای در تدویر و گردهمایی های آتی و بعدی بین المللی در مورد مسایل تأمین صلح در کشور ما مؤثر و مفید شمرده می شود؟

این مسأله نباید فراموش خاطر ما گردد که انجام ملاقات و مذاکرات با "طالب" ها، بخودی خود، در طول مدت زمان بیش از ده سال پسین، با خصوصیات ویژه و منحصربفردی، اصلن جنبه عملی بخود اختیار ننمود. آیا می توان تفاوت بنیادی نشست مسکو را با گردهمایی های قبلی و با داشتن خصوصیت وسیع بین المللی، بشمول جلب علاقمندی کشورهای در حال و فصل قضایای کشور ما، بیش از هر زمان دیگر برجسته و متمایز نمود؟

در مورد دورنمای مذاکرات درباره افغانستان، یاددهانی این مسأله با اهمیت تلقی می گردد که با وجود خصوصیت پوشیده ملاقات و گفتگوهای پشت درهای بسته مسکو، اصل شرکت و سهمگیری نمایندهای "طالب" ها و هیأت نمایندگی شورای عالی صلح، از جانب سایر شرکت کنندها مورد توجه منحصربفردی قرار گرفت. این، بویژه در دهه اخیر، نخستین بار است که نمایندهای "طالب" ها بگونه مستقیم و رو در رو، تقاضاهای شان را درباره مسایل مورد بحث پروسه صلح در کشور مطرح

نمودند. اما این یک جهت قضیه محسوب گردیده و پهلوهای دیگر مسأله هنوز ناپیدا بوده و تا کنون اصل بنظر نمی رسد. در زمینه فوق به گرایش های چندی باید عطف توجه صورت گیرد که ممکن در دورنمای وضعیت کشور از اهمیت مشخص و تأثیرگذاری برخوردار باشند. تقاضای مستمر "طالب" ها در مورد خروج قوت های نظامی خارجی از اراضی افغانستان، به یقین کامل مورد علاقمندی دول کشورهای همجوار افغانستان و سلسله کشورهای شرکت کننده در گفتگوهای یادشده، از جمله ایران و چین قرار گرفت. تقاضای یادشده باین مفهوم تلقی می گردد که مذاکرات مستقیم نماینده های ایالات متحده با "طالب" ها در دوحه و کویت تاکنون نتایج مثمری را برای واشنگتن در پی نداشته و بعوض مسیر مصالحه، وضعیت بلاتکلیفی را برای آن کشور ببار آورده است.

اصل طرح ملاقات و گفتگوهای مسکو، از همان مراحل نخست و آغازین برای ایالات متحده ناخوشایند تلقی گردید. بخاطر مخالفت و ضدیت ایالات متحده و کابل، در پایان سال ۱۳۹۷، مذاکرات تاشکند بمتابیه بدیل مذاکرات و گفتگوهای مسکو، مطرح بحث قرار داده شد. اما در نظر باید داشت که در آینده های نزدیک هم نمی توان از گشایش و تدویر گردهمایی افغانی در تاشکند، حتا سخنی بمیان آورد. در عین زمان می توان پیشبینی نمود که ایالات متحده در نظر دارد با وسعت بخشیدن ارتباط مستقیم با "طالب" ها بمنظور دستیابی به مصالح و آشتی دوجانبه، از اهمیت مذاکرات مسکو و مذاکرات دیگری از این قبیل کاسته و آنرا بی اعتبار جلوه دهد. تمامی کوشش ها بمنظور فوق از جانب ایالات متحده در این راستا در شرف انجام می باشد. نباید فراموش نمود که حل و فصل قضایای موجود کشور، تنها و صرف منحصر به عملکرد های افغان ها در داخل کشور نمی گردد، این درنوع خود بمتابیه معضله بین المللی پنداشته شده و بمنظور حل و فصل آن، شرکت فعال و مستقیم تمامی بازیگران خارجی را در دستور روز قرار می دهد.

منطقه یی ساختن مسأله افغانستان و دخالت مخالفان در مورد را نباید فراموش نمود و در ضمن یکی از جمله ویژگی های مشاوره و گفتگوهای مسکو را در شرکت فعال و علاقمندی برخی از کشورهای همجوار افغانستان در آن باید جستجو نمود، اما تصامیم و چگونگی گفتگوهای یادشده، این واقعیت را بر ملا می سازد که طرف های شرکت کننده چگونه بمنظور دستیابی به منافع و امتیازات، بهر نوع عمل و کرده ای متوسل می گردند.

بحث ها و مذاکرات یادشده در نشست مسکو نه بمنظور بررسی شرایط صلح که در امر تطبیق عملی آن هیچکدام از طرف ها آماده نیستند، بلکه باید بخاطر ایجاد پایه ها و گذاشتن اساس و تهداب بمنظور تداوم مذاکرات و گفتگوها و جستجوی مرحله وار و قدم بقدم راه ها و وسایل نایل گردیدن به حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور ما، سازماندهی می گردید که چنین نشد. تجربه مذاکرات و گفتگوهای "استانه" در مورد سوریه، این واقعیت را عملن باثبات رسانید که بازیگران منطقوی می توانند در حل و فصل قضایای موجود، نقش مهم و قابل توجهی ایفا نمایند، این نقش حتا بمقایسه اثرگذاری طرف های درگیر و مؤثریت بازیگران بین المللی، می تواند در چگونگی سیر حوادث ثمر بخش واقع گردد.

بنظر می رسد که کابل (با استدلال مسوولان امریکایی) باید با پرسش های ساده ذیل مواجه گردد:

آیا با تمام مخالفانش ملاقات می نماید؟

یا بدنبال راه حل های مشترک اما بدون شرکت و سهمگیری حاکمیت مرکزی کشور می باشند؟

نباید لحظه ای هم این مسأله را از نظر دورداشت که حضور حاکمیت مرکزی و اشتراک نماینده های باصلاحیتش در پروسه مورد بحث، بمنظور حل و فصل بسیاری از مسایل موجود کشور، لازمی، ضروری و حتا حیاتی پنداشته می شود، موجودیت و حضور حاکمیت سیاسی در مرکز ثقل سایر گفتگوها و جبر و بحث ها باید در نظر گرفته شده و اهمیت مؤثریت و اثرگذاری آن نباید بهیچ قیمتی تحت شعاع قرار گیرد.

این کاملن واضح و مبرهن می باشد که تصمیم و فیصله ها در مورد اوضاع کشور ما بگونه کلی تحت تأثیر مناسبات و روابط ایالات متحده و روسیه اخذ می گردد، بنابراین آیا بزرگترین موضوع قابل توجه از جمله یکی هم این خواهد بود که ایالات متحده به بحث در مورد یادشده با مسکو مجبور گردد؟

اطلاعات و خبرهایی بگوش می رسد که حکومت افغانستان، اصل شرکت و سهمگیری نماینده های "طالب" ها در نشست مسکو را، رسمن به سازمان ملل شکایت نموده است.

منابع مربوط به دولت افغانستان چنین می پندارند که نباید در قبال "طالب" ها، موضعگیری اینچنینی اتخاذ گردد. منابع رسمی کشور همچنان اظهار داشتند که برخی از نماینده های "طالب" ها در قطر، شامل فهرست تحریم های سازمان ملل بوده و

بهمین دلیل، سفر آزادانه آنها جای سوال دارد. شیرمحمد عباس ستانکزی، رئیس هیأت مذاکره کننده "طالب"ها از جمله افرادی محسوب می گردد که نامش در فهرست تحریم های سازمان ملل بمشاهده می رسد. گذشته ها، هرگاه شخص ویا اشخاصی به نمایندگی از "طالب"ها به کشوری قصد سفر می داشتند، درگام نخست، سازمان ملل با دولت افغانستان مشوره نموده وموافقتش را حاصل می نمود، اما اینبارهیچگونه مشوره ای با جانب افغانستان،انجام نپذیرفته است.

قابل تذکر می باشد که شکایت نامه یادشده، یکروزقبل از برگزاری وگشایش نشست اخیرمسکو، به کمیته ۱۹۸۸ شورای امنیت سازمان ملل ارسال گردیده است.

دراعلامیه پایانی نشست یادشده آمده که شرکت کننده ها به توافق رسیدند که بمنظورتأمین صلح درکشور، نیروهای خارجی بگونه کامل اراضی افغانستان را ترک گویند.

همچنین برحذف نام "طالب"ها از فهرست سیاه سازمان ملل، برسمیت شناختن دفتر سیاسی این گروه درشهر دوحه قطر، تأمین حقوق زنان براساس قوانین اسلامی، حقوق سیاسی، مدنی و آزادی بیان شهروندان مطابق اصول اسلامی و حفظ، تقویت واصلاح نهادهای بنیادی، دفاعی ودیگر نهادهای ملی افغانستان پس از توافق صلح تأکید بعمل آمده است. اما با حفظ کُلّیت مسأله مورد بحث، دولت افغانستان بمتابیه حاکمیت سیاسی کشور دراین نشست غایب بود.

همه با این امر موافق می باشند که هیچگونه تصمیمی در مورد سرنوشت یک کشور و بررسی مسایل جنگ و صلح در محدوده حاکمیت سیاسی آن بدون نظر ویا حتا بدون حضور فزیکتی نمایندهای رسمی وبا صلاحیت آن، چه ازنگاه حقوق بین الملل عمومی و چه از لحاظ اصول و اساسات روابط بین المللی، مجاز نبوده و نقض صریح و همه جانبه مناسبات بین الدول پنداشده می شود. مدعیان دموکراسی باهمه دم ودستگاه دیپلوماسی وبا موجودیت کاردان ها وکارشناسانشان دراین عرصه، به اقدامات ناشیانه ای متوسل می گردند که با انجام آن نقاب از چهره واقعی آنها برداشته شده و کُنه اهداف وعملکردهای پیدا و پنهانشان به ویژه درمورد کشورما بمفهوم محدود کلمه ودرمورد منطقه بمفهوم وسیع کلمه بهمگان واضح و میرهن می گردد.

اکنون باشندهای سرزمین پلاکشیده ورنجدیده ما، بیش ازهرزمان دیگر به بازی های ژنوپولیتیکی ایالات متحده وهم پیما نش پی برده وهرگز فریب بازی های موش و پشک براه اندخته شده واشنگتن را نخورده وبهمه برنامه های پنتاگون وهم پیمانانش نه خوا هند گفت.

اهل خبره درمورد، بهتر قضاوت خواهند نمود.